

حق بر متفاوت بودن اطفال و نوجوانان بزهکار و چالش‌های آن در مقررات کیفری ایران^۱

محمد رضا عدالتخواه^۲

اکبر وروایی^۳

محمد جواد جعفری^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۱

چکیده

اطفال و نوجوانان بزهکار از نظر حق بر متفاوت بودن در مقررات کیفری ایران مورد توجه قرار گرفته‌اند. این حق بستر و ظرفیتی ایجاد می‌کند تا تفاوت‌های فردی بین اطفال و بزرگسالان با یکدیگر در تعیین مجازات مدنظر قرار گیرد و از یکسان پنداری پرهیز شود. بر همین اساس مسأله اصلی این تحقیق پیرامون چالش‌هایی است که اگر مورد واکاوی و توجه قرار گیرد و ابعاد مختلف آن روشن شود، راهکارهای برون رفت از مشکلات و موانع دادرسی راجع به بزهکاری اطفال و نوجوانان حاصل خواهد شد. یکی از جلوه‌های مهم توجه به حق بر متفاوت بودن در یک نظام حقوقی، دادرسی افتراقی برای رسیدگی به بزهکاری اطفال و نوجوانان است. در مواجهه با بزهکاری این قشر از جامعه به جهت ویژگی‌های خاص آنان نسبت به جرائم بزرگسالان از حیث شیوه دادرسی و نوع مجازات باید تفاوت وجود داشته باشد. در سال‌های اخیر نظام حقوقی ایران همانند بسیاری از کشورها در رابطه با سن مسئولیت کیفری از دفعی به سمت تدریجی در حال تغییر است و گام‌های موثری در توجه به حق بر متفاوت بودن برای این قشر از جامعه برداشته شده است. در مقررات کیفری ایران از سال ۱۳۹۲ با دگرگونی بنیادین در قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری و همچنین لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان و قوانین بعدی؛ سیاست جنایی و رویکرد قانونگذار در جهت رعایت حق بر متفاوت بودن در نوع مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی راجع اطفال و نوجوانان بزهکار یا ناقض قوانین جزایی تغییر اساسی نموده است. در حال حاضر لوایحی مانند تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان که در مجلس شورای اسلامی مطرح است، نگرشی نو به تفاوت‌های اطفال و نوجوانان دارد و نوید بخش رویکرد اصلاحی و تربیتی بجای تنبیهی و عقوبتی است. واژگان کلیدی: حق بر متفاوت بودن، اطفال و نوجوانان، قوانین کیفری، اصلاحی و تربیتی.

حق بر متفاوت بودن اطفال و نوجوانان بزهکار و چالش‌های آن در مقررات کیفری ایران^۱

^۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. edalatkah.mr@gmail.com

^۳. استاد گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول). dr.akbarvarvaei@yahoo.com

^۴. استادیار گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. Dr.jafari14@gmail.com

در این پژوهش به دنبال شرح و بررسی و تحلیل مقررات مدنی و کیفری مربوط به مطلق حمایت از اطفال و نوجوانان که موضوع برخی از مقالات است نمی‌باشیم، بلکه هدف بررسی قوانین شکلی و ماهوی کیفری در رابطه با توجه به تفاوت‌های این قشر از جامعه در اتخاذ تصمیمات، اعمال کیفر و با بررسی تمایز در شیوه دادرسی نسبت به بزرگسالان است که تا چه میزان این حق مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. هرچند توجه به این تفاوت‌ها نیز می‌تواند نوعی حمایت به معنای اخص کلمه باشد اما در جستجوی یافتن پاسخ این پرسش هستیم که اطفال و نوجوانان بزهکار از نظر حق بر متفاوت بودن در مقررات کیفری ایران مورد توجه قرار گرفته‌اند یا خیر؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، مصادیق آن کدام‌اند و رعایت این حق در عمل با چه چالش‌هایی مواجه است. در این تحقیق چالش‌هایی را بررسی می‌کند که اگر مورد واکاوی و توجه قرار گیرد و ابعاد مختلف آن روشن شود، راهکارهای برون رفت از مشکلات و موانع پیرامونی رسیدگی به بزهکاری اطفال و نوجوانان حاصل خواهد شد. یکی از جلوه‌های مهم توجه به حق بر متفاوت بودن در یک نظام حقوقی، دادرسی افتراقی در رسیدگی به بزهکاری اطفال و نوجوانان برای جامعه پذیری آنان است.

این پژوهش با روش کتابخانه‌ای به طریق توصیفی-تحلیلی در صدد تبیین موضوع و ارائه پاسخ و راهکار است.

مفهوم حق بر متفاوت بودن

یکی از مهمترین موضوعاتی که جوامع مختلف بشری با هر نظام اعتقادی و فکری باید برای رشد و توسعه به آن ملتزم باشند، توجه به حق بر متفاوت بودن است. این موضوع از آن دسته مفاهیم بنیادینی است که باید در سیاست گذاری تقنینی، اجرائی و قضایی مورد توجه قرار گیرد. مساله اصلی در این پژوهش پاسخ به این سوال است که حق بر متفاوت بودن اطفال و نوجوانان برای جامعه پذیری شدن در حقوق ایران چه جایگاهی دارد.

آنچه در خلقت وجود دارد "تفاوت" است نه "تبعیض" [تبعیض] آن است که در شرایط مساوی و استحقاق‌های همسان، بین اشیاء فرق گذاشته شود. ولی "تفاوت" آن است که در شرایط نامساوی، فرق گذاشته شود. به عبارت دیگر تبعیض از ناحیهی دهنده است و تفاوت مربوط به گیرنده است. (مطهری، ۱۳۹۱: ۱۱۰)

حق بر متفاوت بودن در حقوق کیفری یعنی ایجاد بستر و استفاده از ظرفیت‌هایی که تفاوت‌های فردی اشخاص را با یکدیگر در تعیین مجازات‌ها مدنظر داشته باشیم و از یکسان پنداری پرهیز شود. به عبارت دیگر با وجود ویژگی‌های متفاوت در انسان‌ها؛ آیا واکنش و رفتار عدالت قضایی، تقنینی و اجرائی با آنها باید یکسان باشد یا به موجب این تفاوت‌ها، حقوق متفاوتی قابل تصور است؟ از دو مجرمی که مرتکب جرم مشابه می‌شوند یکی ممکن است به حداقل و دیگری به حداکثر مجازات محکوم شود. (صانعی، ۱۳۷۱: ۱۴۲) این همان عدالت تطیف شده توأم با انصاف است.

بر همین اساس مسائل این تحقیق پیرامون چالش‌هایی است که اگر مورد واکاوی و توجه قرار گیرد و ابعاد مختلف آن روشن شود، راهکارهای برون رفت از مشکلات و موانع پیرامونی رسیدگی به بزهکاری اطفال و نوجوانان حاصل خواهد

شد. یکی از جلوه‌های مهم توجه به حق بر متفاوت بودن در یک نظام حقوقی، دادرسی افتراقی در رسیدگی به بزهکاری اطفال و نوجوانان است.

در فلسفه ارسطویی نیز مرزها کاملاً مشخص و تعریف شده است. این فلسفه در مقابل فلسفه شرقی است که همه چیز به دو دسته سیاه و سفید، آری و نه تقسیم می‌شود و بین اینها چیزی نیست. در تفکر فازی مرز مشخصی وجود ندارد و مفاهیم و موضوعات نسبی است. حالت فازی همان حالت چند ارزشی است. (کاسکو، ۱۳۸۰: ۷) بر اساس مبانی این تفکر که یک مبنای عقلی دارد می‌توان از آن در حقوق به ویژه حقوق کیفری نیز استفاده نمود. نگرش فازی به فردی کردن مجازات و اصل تناسب جرم و مجازات کمک می‌کند. حق بر متفاوت بودن بر اساس منطق فازی منجر به تناسب در تعیین کیفر و تحقق عدالت در تصمیم‌گیری خواهد شد. بعضی از قوانین متأثر از این تفکر است، مانند: اینکه در قوانین ما موضوع خودکشی و معاونت در آن جرم نیست لیکن برای حمایت از اطفال و نوجوانان، قانونگذار سیاست جنایی خود را تغییر داده و در ماده ۱۴ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، معاونت در خودکشی آنان جرم انگاری شده است.

تعریف طفل؛ نوجوان و مسئولیت کیفری

در زبان عربی برای دوره‌های مختلف طفولیت تا قبل از بلوغ از کلماتی مانند: رضیع، صبی، ممیز، مراهق استفاده شده است. در زبان فارسی کلمات نوزاد، نوپا، نوباوه، برای مراحل کودکی تا قبل از بلوغ بکار رفته است. در زبان پهلوی به بچه‌خردسال «کوتک» گفته شده است. (معین، ۱۳۷۹: ۳، ۳۱۱۷) در پاره‌ای از قوانین و مقررات کشور ما از هر دو اصطلاح طفل و کودک استفاده شده است.

یکی از موضوعات بحث برانگیز و چالش‌زا در جوامع مختلف تعیین محدوده‌ی سنی برای اطفال و نوجوانان است تا براساس آن مسئولیت کیفری را بتوان بررسی نمود. غالباً در نظام‌های حقوقی سن مسئولیت کیفری را تدریجی پذیرفته‌اند. در ماده ۸-۱۲۲ قانون مجازات فرانسه، اطفال کمتر از ۱۳ سال به طور مطلق مسئولیت کیفری ندارند و اصل، عدم مسئولیت کیفری آنان است. بر نوجوانان ۱۳ تا ۱۸ ساله نیز همین اصل حاکم است مگر اینکه اوضاع و احوال و شخصیت بزهکار به گونه‌ای باشد که مستلزم اعمال محکومیت کیفری قرار گیرد.

در سیستم حقوقی انگلستان این فرض وجود دارد که اطفال کمتر از ده سال نمی‌توانند مرتکب جرم شوند و معاف از مسئولیت کیفری هستند. اطفال بین ده تا چهارده سال نیز معاف از مسئولیت کیفری هستند لیکن اگر مقام تعقیب‌کننده تشخیص دهد که ممکن است مرتکب یک خطای سنگین شوند این معافیت زایل می‌شود و از حیث مسئولیت کیفری کودکان بالاتر از ۱۴ سال همانند اشخاص بالغ هستند. (پدفیلد، ۱۹۹۵: ۳۱۹) در حقوق جزای آلمان اعمال افرادی که کمتر از چهارده سال دارند اساساً جرم نیست. (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۴: ۳۰۸)

ماده یک کنوانسیون حقوق کودک سال ۱۹۸۹ سازمان ملل متحد (CRC)، افراد کمتر از ۱۸ سال تمام را کودک می‌داند مگر آنکه قوانین داخلی کشورها، سن بلوغ کمتری را برای کودکان تشخیص داده باشد. در بند الف ماده ۱ لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ کودک یا طفل کسی است که به سن بلوغ شرعی نرسیده باشد و در بند ب این ماده هر فرد

زیر هجده سال کامل شمسی که به سن بلوغ شرعی رسیده باشد نوجوان است. بنا بر این نوجوانی در دختران از ۹ سالگی قمری و در پسران از ۱۵ سالگی قمری آغاز می‌شود.

تعیین سن مسئولیت کیفری ثابت در مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به نظر می‌رسد جز بر منطق ارسطویی نزد واضعان قانون بر منطق دیگر استوار نباشد. زیرا بدین معناست که اطفال قبل از رسیدن به سن بلوغ شرعی از نظر مسئولیت کیفری مبرا بوده و به محض رسیدن به سن بلوغ، مسئولیت کامل پیدا کرده و مانند بزرگسالان مورد مجازات قرار می‌گیرند. سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که در فاصله یک روز یا یک ساعت یا چند دقیقه قبل از بلوغ طفل چه اتفاق مهمی رخ می‌دهد که دیدگاه قانونگذار نسبت به طفل عوض می‌شود و آثار و پیامدهای مهمی متوجه او می‌گردد. به طور کلی دو نوع مسئولیت کیفری برای اطفال در کشورهای مختلف وجود دارد در گونه نخست مسئولیت کیفری اطفال به یکباره کامل می‌شود. به این ترتیب که فرد تا سن مشخصی که قانون مقرر می‌کند کودک محسوب می‌شود و فاقد هرگونه مسئولیت کیفری است و به محض گذر از آن سن، بزرگسال محسوب می‌شود و مسئولیت کیفری کامل پیدا می‌کند. قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ نیز از چنین نظامی تبعیت کرده بود زیرا اطفال تا رسیدن به سن بلوغ فاقد مسئولیت کیفری بودند و پس از آن مسئولیت کیفری کامل پیدا می‌کردند و در این مورد تفاوتی بین مجازات‌های تعزیری و غیر آنها وجود نداشت. (ابوذری، ۱۳۹۶: ۱۰۷-۱۰۸)

هرچند سن بلوغ در ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی و تبصره یک ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با قوانین پیش از آن تغییری ننموده است و در واقع کماکان دفاعی است، لیکن از حیث تعیین سن مسئولیت کیفری برای اعمال مجازات و نوع آن بین افراد کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی و بالاتر از آن قایل به تفکیک شده است و دادرسی افتراقی مورد توجه قرار گرفته است، اما این موضوع بدان معنا نیست که از سن بلوغ تا ۱۸ سالگی مسئولیت کیفری وجود ندارد بلکه مسئولیت کیفری توأم با مجازات‌های اصلاحی و تلطیف یافته نسبت به بزرگسالان در نظر گرفته شده است. در نظام حقوقی ایران همانند فرانسه رویکرد قانونگذار در رابطه با سن مسئولیت کیفری از دفاعی به سمت تدریجی در حال تغییر است و گام‌های موثری در توجه به حق بر متفاوت بودن برای این قشر از جامعه برداشته شده است.

حد فاصل بین بلوغ کیفری و سن مسئولیت کیفری دوره‌ای ارفاقی و ویژه است که دادرسی نوجوانان در آن معنا می‌یابد، در این دوره به ندرت ضمانت اجرای کیفری به اطفال مرتکب بزه تحمیل می‌شود و بیشتر واکنش‌ها، جنبه اجتماعی و غیرکیفری دارند. در کشورهای اروپایی در این دوره تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد. در آلمان، بلژیک، فرانسه و ایتالیا، در مورد طفل بزهکار واقع در این دوره، فرض غیر مسئول بودن حاکم است. البته در این کشورها ممکن است در شرایطی قدرت تمییز، خواستن و فهمیدن یا با تشخیص دادگاه اختصاصی) اماره عدم مسئولیت را کنار گذاشته و آنها را مسئول فرض نمود. در انگلستان، اسپانیا، پرتغال و سوئیس طفل در این دوره دارای مسئولیت کیفری تلقی می‌شود و صرفاً واکنش‌ها نسبت به وی با بزرگسالان بزهکار متفاوت است. سن بلوغ کیفری در اروپا ۱۸ سال تمام است و حد فاصل سن

مسئولیت کیفری و سن بلوغ کیفری دوره ارفاقی ویژه‌ای است که دادرسی ویژه نوجوانان در آن معنا می‌یابد. (عباسی، ۱۳۹۴: ۷۹-۸۱)

در سال ۱۷۹۱مجموعه قوانین فرانسه براساس مبانی فکری بکاریا تدوین شد، بزرگ‌ترین مشکل عملی اجرای آن از نادیده گرفتن تفاوت‌های میان اوضاع و احوال وضعیت‌های خاص، سرچشمه می‌گرفت. در این مجموعه براساس نظریات بکاریا می‌گفت: برای تعیین مجازات تنها باید عمل، و نه قصد، را مدنظر قرار داد یعنی با همه به یک گونه رفتار کند. از این رو با مجرمانی که برای بار اول مرتکب جرم شده بودند، همانند تکرار کنندگان جرم، با اطفال همانند بزرگسالان، با عاقل همانند مجنون رفتار می‌شد. البته هیچ جامعه‌ای اجازه نمی‌دهد با اطفال و کم عقلان درمان‌ناپذیر به همان شیوه رفتار شود که با مجرمان حرفه‌ای رفتار می‌شود. (ولد و دیگران، (۱۳۹۳): ۴۰-۴۱) بر اساس نظر بکاریا برای تعیین مجازات تنها باید به عمل و عنصر مادی جرم توجه نموده نه به رکن معنوی آن، بنا بر آیا فردی که برای بار اول و به ناچار مرتکب جرم می‌شود با کسی که با انگیزه شریانه مرتکب جرم شده است تفاوتی ندارد؟

حق بر متفاوت بودن اطفال و نوجوانان در قوانین کیفری

بعد از انقلاب اسلامی تا زمان تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ سن بلوغ و مسئولیت کیفری همان بلوغ شرعی برای دختران و پسران بود و مجازات آنان با بزرگسالان تفاوت نداشت. اما در سال ۱۳۹۲ با نگرشی به مواد ۳۴ تا ۳۹ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ اصلاحی سال ۱۳۵۲ و مقررات جزایی فرانسه، رویکرد قانونگذار در قبال اطفال و نوجوانان تغییر یافت و در مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی، مجازات‌های تربیتی و اصلاحی بجای مجازات‌های تنبیهی و سرکوبگر برای آنان در نظر گرفته شد. در تکمیل آن قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ که در تیر ماه سال ۱۳۹۴ اجرا شد دادرسی افتراقی را که پیش از این به طور ناقص وجود داشت تکمیل نمود. در لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان رویکرد حمایتی خود را از این قشر افزایش داد. همانگونه که در مقدمه گفته شد در این پژوهش اطفال و نوجوانان بزهکار یا ناقض قوانین جزایی از نظر حق بر متفاوت بودن در مقررات کیفری ایران مورد توجه قرار گرفته است؛ مقررات شکلی و ماهوی و مصادیق آن بررسی می‌شود تا مشخص شود در عمل رعایت این حق تا چه میزان محقق شده و اجرایی شدن مقررات قانونی در این خصوص با چه موانع و چالش‌هایی مواجه است.

۱. قوانین شکل کیفری

۱- ۱. پلیس ویژه: در ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری به منظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان، تشکیل پلیس ویژه پیش بینی شده است. در ماده ۴۲ این قانون نیز در صورت امکان برای بازجویی و تحقیقات از افراد نابالغ، پلیس آموزش دیده زن باید به کار گرفته شود. در لایحه تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در تبصره ۱ ماده ۴ بر این موضوع تاکید شده است که حداقل ۳۰ درصد پلیس ویژه اطفال و نوجوانان باید پلیس زن باشد. از چالش‌های اساسی پیرامون عدم ایجاد پلیس ویژه در شش سال گذشته فقدان عزم جدی، عدم وجود زیر ساخت مناسب و مأموریت‌های متعدد

و کمبودها در نیروی انتظامی است. به نظر می‌رسد تا سال‌های آینده حتی با تصویب لایحه مذکور، به طور فراگیر و نه نمادین، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان ایجاد نخواهد شد، زیرا در حال حاضر ضمانت اجرای تا یک سال انفسال از خدمات دولتی پیش بینی شده در ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری نیز نتوانست موجب ایجاد پلیس ویژه شود.

۲- ۱. **دادسرای ویژه**: با توجه به ماده ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری تحقیقات مقدماتی جرائم افراد پانزده تا هجده سال به جز جرایم منافی عفت و جرایم درجه هفت و هشت که مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود توسط دادسرای ویژه نوجوانان انجام می‌شود و تبعاً اجرای احکام نیز باید در این دادسرا صورت پذیرد. لیکن صرفاً در چند استان این دادسرا تشکیل شده است و در بیشتر استان‌ها و شهرستان‌های بزرگ چنین دادسرای وجود ندارد و در بهترین وضعیت شعبی از دادسراها این وظیفه را انجام می‌دهند.

۳- ۱. **پرونده شخصیت**: محکوم کردن نوجوانی که مرتکب نقض مقررات جزایی شده است بدون در نظر گرفتن شخصیت او منطقی نیست. در کشور فرانسه به دو شیوه‌ی در محیط آزاد و محیط بسته با مجموعه تحقیقات، بررسی‌ها و آزمایش‌ها، شخصیت یک فرد را شناسایی می‌کنند، که به آن «*ابسرواسیون*» یعنی طرز شناسایی شخصیت گفته می‌شود و مراکز با همین نام برای تشکیل پرونده شخصیت ایجاد شده است. (دانش، ۱۳۷۸: ۹۳ - ۹۴) مقام قضایی علاوه بر فعل مجرمانه به عوامل موثر در ارتکاب بزه از جمله عوامل روانی، جسمانی، اجتماعی، خانوادگی و اقتصادی توجه کرده و باید به عللی که از یک انسان عادی فردی بزه‌کار ساخته پی ببرد. جرم‌شناس معروف فرانسوی ژان پیناتل عناصر متشکله شخصیت کیفری را مرکب از چهار عامل: خودمداربینی، ضعف اخلاقی، پرخاشگری و بی‌تفاوتی عاطفی می‌داند که اگر این عوامل با هم در یک نفر جمع شود او را به ارتکاب جرم وا می‌دارد. (شامبیاتی، ۱۳۸۴: ۲۵۷) بنا براین برای بررسی ابعاد مختلف یک جرم، باید هر چهار عامل مذکور موشکافانه مورد توجه قرار گیرد. به همین منظور تشکیل پرونده شخصیت پیش‌بینی شده در قوانین آیین دادرسی کیفری و مجازات اسلامی مهمترین بستر انجام این کار است. با توجه به ماده ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری برای رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان علاوه بر جرائم مذکور در ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری در جرائم تعزیری درجه ۵ و ۶ نیز تشکیل پرونده شخصیت در دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان الزامی است. اصلاح و بازپروری اجتماعی مجرمین در گروه فردی کردن واکنش است و یکی از مؤلفه‌های مؤثر در فردی کردن واکنش کیفری تشکیل پرونده شخصیت است. حق بر متفاوت بودن و فردی کردن مجازات اگر باید مورد توجه قرار گیرد ابزار نیاز دارد و یکی از ابزارهای آن تشکیل پرونده شخصیت است. زمان مناسب برای تشکیل پرونده شخصیت باید از بدو تولد و در دوران تحصیل و رشد اطفال خصوصیات آنان مورد توجه قرار گیرد. حال که چنین چیزی در کشور ما ممکن نیست، حداقل در زمان تحقیقات مقدماتی لازم است پرونده شخصیت تشکیل شود. مهمترین مانع و چالش برای تشکیل پرونده شخصیت متهم، اجرایی نشدن مواد ۴۸۶ و ۴۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری و عدم ایجاد ساز و کار لازم برای استخدام مددکار اجتماعی در هر حوزه قضایی است. ماهیت کار مربوط به مرحله تحقیقات مقدماتی است که از وظایف دادسرا است و از

مواد ۴۲، ۷۷، ۸۸ قانون مجازات اسلامی و ماده ۴۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری نیز به وضوح این مطلب فهمیده می‌شود که مددکار اجتماعی در اختیار قاضی دادسرا است (عدالتخواه، ۱۳۹۴: ۱۷۰ - ۱۹۱) بنا بر این تصریح به ایجاد تشکیلات مددکاری اجتماعی در هر حوزه قضایی که شامل دادسرا نیز می‌باشد الزاماً به معنای زیر نظر رئیس حوزه قضایی بودن این واحد نیست.

۴- ۱. **قراره‌های تأمین:** در ماده ۲۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری نوآوری‌هایی در زمینه صدور قرار تأمین متناسب با وضعیت خاص اطفال و نوجوانان پیش بینی شده است.

۱-۴-۱. **سپردن به والدین یا اولیاء قانونی:** سپردن آنان به والدین، اولیاء و سرپرست قانونی یا در صورت عدم امکان به هر شخص حقیقی یا حقوقی که مرجع قضایی مصلحت بداند، این نوع قرار تأمین با قرار کفالت مشابهت دارد، لیکن در صورت حاضر نمودن متهم، ضمانت اجرایی وجود ندارد؛ مگر اینکه در هنگام صدور، وجه التزام تعیین شود یا در مواردی که افراد بیش از ۱۵ سال خود ملتزم به حضور می‌شوند که حسب وحدت ملاک از بندهای الف تا چ ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری بلامانع است.

۲-۴-۱. **اخذ کفالت و وثیقه:** صدور قرارهای مذکور برای افراد پانزده تا هجده سال به راحتی صدور این قرارها برای بزرگسالان نیست، زیرا تصریح به قید «در صورت ضرورت» در این ماده دلالت بر این امر دارد که قاضی ممکن است استفاده از این دو قرار را ضروری تشخیص ندهد. از سیاق عبارت هم این موضوع فهمیده می‌شود که اصل بر عدم ضرورت صدور این قرارها است و چنانچه قاضی بخواهد از این دو قرار استفاده کند، قبل از صدور قرار باید در صورتمجلس علل توجیهی و ضرورت صدور قرار کفالت یا وثیقه برای افراد پانزده تا هجده سال را تبیین و تشریح نماید در غیر این صورت به جهت نقض مقررات آمره، مستلزم تعقیب انتظامی است. چنانچه این افراد عاجز از معرفی کفیل یا ایداع وثیقه باشند در کانون اصلاح و تربیت نگهداری می‌شوند.

۳-۴-۱. **قرار نگهداری موقت در کانون:** هرگاه اطفال و نوجوانان مرتکب جرائم موضوع ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری شوند، با رعایت ماده ۲۳۸ همان قانون در این مکان می‌شوند. استفاده از عنوان قرار بازداشت موقت برای افراد پانزده تا هجده سال فاقد محمل قانونی است و به جای آن قرار نگهداری موقت در کانون با کلیه آثار و احکام قرار بازداشت موقت صادر می‌گردد.

۵- ۱. **دادگاه کیفری (دو) اطفال و نوجوانان:** با توجه به تبصره ماده ۲۸۵ و تبصره ماده ۳۱۴ و مواد ۲۹۴، ۲۹۸، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۱۲ و ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری رسیدگی به کلیه جرائم اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال اعم از اینکه در صلاحیت دادگاه کیفری دو یا دادگاه انقلاب بدون تعدد قاضی باشد با حضور یک مشاور در دادگاه اطفال و نوجوانان انجام می‌شود. چنانچه سن شرکا و معاونین در جرم ارتكابی توسط اطفال و نوجوانان بیش از هجده سال باشد در غیر دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود اما اگر تحقق جرم منوط به فعل دو یا چند نفر باشد و یکی از آنها کمتر از هجده سال

داشته باشند به اتهام کلیه متهمین در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود و رسیدگی به اتهام اشخاص بالاتر از هجده سال در این دادگاه تابع قواعد عمومی است. جرایم منافی عفت و جرائم تعزیری هفت و هشت و جرایم اطفال کمتر از پانزده سال در دادگاه اطفال و نوجوانان بدون نیاز به کیفرخواست و مداخله دادسرا به طور مستقیم در دادگاه رسیدگی می‌شود.

۶- ۱. **دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان:** با توجه به مواد ۳۱۵، ۴۰۲، ۴۱۱، ۴۱۲ تا ۴۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری رسیدگی به کلیه جرائم اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال اعم از اینکه در صلاحیت دادگاه کیفری یک یا دادگاه انقلاب با تعدد قاضی باشد، با حضور دو مشاور در دادگاه کیفری ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان انجام می‌شود. در رابطه با بزهکاران مونت الزاماً یکی از مشاوران باید زن باشد. با توجه به ماده ۴۱۰ همان قانون مشاور فاقد پایه قضایی است لیکن تشکیل دادگاه بدون حضور مشاور در دادگاه‌های اطفال و نوجوانان فاقد وجهت قانونی است.

۷- ۱. **دادگاه تجدیدنظر:** قانونگذار برای حمایت از اطفال و نوجوانان ناقض مقررات جزایی در ماده ۴۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری هر نوع رأیی که برای آنان صادر شود را قابل تجدیدنظرخواهی می‌داند. با توجه به ماده ۴۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری صرفاً دادگاه تجدیدنظری که دارای ابلاغ خاص از سوی رئیس قوه قضائیه باشد مجاز به رسیدگی به تجدید نظرخواهی از آراء دادگاه اطفال و نوجوانان است. احکام صادره از دادگاه کیفری ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان در دیوان عالی کشور قابل فرجام خواهی است.

۸- ۱. **تعیین وکیل:** علاوه بر جرائم در صلاحیت دادگاه کیفری یک که داشتن وکیل برای کلیه متهمین الزامی است، به موجب ماده ۴۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری در جرائم تعزیری درجه شش و بالاتر و در جرائمی که مستلزم پرداخت دیه یا ازش بیش از خمس دیه کامل باشد، تعیین وکیل برای اطفال و نوجوانان بزهکار الزامی است.

۹- ۱. **ساده و آسان‌تر بودن دادرسی:** یکی از موضوعات مهم در دادرسی افتراقی اطفال و نوجوانان، ساده و آسان‌تر بودن دادرسی نسبت به بزرگسالان است. و به همین منظور قانونگذار در مواد ۴۰۸ تا ۴۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری شرایط و تسهیلات ویژه و منحصر به فردی برای آنان قرار داده است.

۲- قوانین ماهوی کیفری

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اتخاذ رویه‌ای متفاوت با مقررات سابق از رویکرد تنبیهی محض به اصلاحی و تربیتی تغییر یافت و قوانین بعدی نیز با همین رویکرد به تصویب رسید. در رابطه با سن مسئولیت کیفری است، در قانون سابق مسئولیت کیفری تام و مجازاتی هم پایه بزرگسالان علیه افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال اعمال می‌شد. (عباسی، ۱۳۹۵: ۹۹) قانونگذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با توجه به سن افراد ۹ تا ۱۸ سال تمام شمسی بدون اینکه خود را الزاماً در محدوده‌ی قبل و بعد از سن بلوغ محصور نموده باشد در جرائم تعزیری تصمیمات و مجازات متناسب در نظر گرفته است.

در حدود و قصاص با توجه به ماهیت خاص این نوع جرایم و مجازات‌های آنها که جنبه تعبدی و غیر قابل تغییر دارد تمهیدات و تدابیر لازم را در رابطه با افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال اتخاذ نموده است.

برای اطفال و نوجوانان بزهکار و ناقضین مقررات جزایی در قوانین ماهوی علاوه بر جرم انگاری برخی رفتارهای زیان‌بار اجتماعی، تعیین کیفر نیز شده است. سن کودکی و نوجوانی در این قانون به سه دوره بر اساس سال شمسی به موازات رشد عقلی و جامعه پذیری کودک تقسیم شده است، از بدو تولد تا ۹ سالگی؛ ۹ تا ۱۵ سالگی و ۱۵ تا ۱۸ سالگی اما در ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی سابق، سن بلوغ و عدم بلوغ شرعی ملاک مسئولیت بود و صرفاً اطفال مبرا از مسئولیت کیفری بودند. افراد تازه بالغ با بزرگسالان تفاوتی نداشتند در واقع سن مسئولیت کیفری دفعی بود نه تدریجی، در ماده ۱۴۶ قانون جدید هر چند افراد نابالغ فاقد مسئولیت کیفری هستند و در ماده ۱۴۷ سن بلوغ شرعی کماکان نه و پانزده سال قمری است، اما برای افراد نابالغ هنگام نقض مقررات کیفری اقدامات اصلاحی خاصی به تناسب شکل گیری شخصیت اجتماعی و رشد عقلی آنان در نظر گرفته شده است که در قانون سابق این گونه نبود. در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ از عبارت بزهکار برای اطفال و نوجوانان استفاده نشده که بار اصلاحی و تربیتی دارد و عبارت مرتکب جرم به کار برده شده است که مورد نقد حقوقدانان می‌باشد.

در مورد بزهکاری اطفال، نظریه ای وجود دارد به این عنوان که نمی‌توان در جرمی که اطفال انجام داده‌اند، آنها را تحت آن جرم خطاب نماییم. در جرایم خاص مثل دزدی و سرقت‌های خرد و بی اهمیت، نباید به عنوان دزد بر آنها برچسب زنی نمود، و به جای کاربرد لفظ دزد یا هر جرمی که طفل انجام داده باید واژه طفل بزهکار را به کار برد، زیرا این واژه نشانگر این است که طفل نیاز به مراقبت و اصلاح دارد و عمل او نشان دهنده‌ی تقصیر و گناه و در پی آن، مجازات نمی‌باشد. [مریم عباچی به نقل از لری سیگل] طبق این فلسفه، بزهکار بودن، نشانه وضعیت خاص روحی و سنی مرتکب است و اطفال به لحاظ همین ویژگی در صورت ارتکاب به عمل خلاف قانون، مجرم (مقصر) قلمداد نمی‌شوند و به عنوان بزهکار می‌توان آنها را در قلمرو کیفری بررسی نمود. از دیدگاه این نظریه، بزهکار بودن مجازات نمی‌طلبد، بلکه مستلزم اقدامات تربیتی مراقبتی و اصلاحی است و به این لحاظ طفلی که جرمی را انجام می‌دهد، هرچند از سوی بزرگسالان [با مشارکت با اطفال] ارتکاب یابد، مستحق مجرمیت و مجازات است، نباید آنها را با این عنوان خطاب نمود، زیرا طبق نظریه برچسب زنی موقعیت این اطفال به خطر خواهد افتاد، اما در مورد این اطفال خطاب نمودن آنها به عنوان بزهکار هیچگونه برچسب و لکه ننگی را در بر نخواهد داشت، زیرا این واژه مستلزم تربیت، مراقبت و اصلاح است نه مجرمیت و مجازات. (عباچی، ۱۳۸۸: ۶۰-۶۱) همانگونه که پیش‌تر گفته شد این پژوهش، اطفال و نوجوانان بزهکار یا ناقض قوانین جزایی را از نظر حق بر متفاوت بودن در مقررات کیفری ایران مورد مطالعه قرار داده است، در ادامه مقررات ماهوی و مصادیق آن مورد بررسی و تحلیل می‌گیرد.

۲-۱. **حدود و قصاص:** افراد نابالغ بطور مطلق در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ مبرا از مسئولیت کیفری بودند و در صورت ارتکاب جرمی که مجازات آن قصاص یا حد بود مجازات نمی‌شدند، البته سقوط مجازات قصاص از اطفال به

معنای عدم پرداخت دیه نیست که در جای خود به آن اشاره می‌شود. در قانون مذکور اطفال به محض رسیدن به سن بلوغ به نحو دفعی با بزرگسالان از حیث داشتن مسئولیت کیفری و قابلیت تحمل کیفر تفاوتی نداشتند و همانند آنان در صورت ارتکاب جرم حدی یا مستوجب قصاص اگر چه سن دختر ۹ سال قمری بود مجازات می‌شدند. این موضوع همواره در مرحله اجرای حکم و مباحث بین المللی مرتبط با آن برای کشور چالش‌زا بود که قانونگذار با تصویب ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ بین مرتکبان بالغ بیش هجده سال با کمتر از آن تمایز قائل شد و به مقررات و کنوانسیون‌های بین المللی نزدیک شده است. (کریمی، ۱۳۹۴: ۲۴) برای افراد بالغ کمتر از هجده سال در صورتی که ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، مجازات حدی یا قصاص ساقط می‌شود و با توجه به سن مرتکب، مجازات‌های پیش بینی شده در مواد ۸۸ و ۹۹ قانون مجازات اسلامی اعمال می‌گردد. در تبصره ۲ ماده ۸۸ برای اطفال نابالغ از ۱۲ تا ۱۵ سال قمری که مرتکب جرم حدی یا مستوجب قصاص شوند تصمیمات و اقدامات تأمینی و تربیتی پیش بینی شده است اعم از نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یکسال یا اخطار، تذکر یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم و افراد کمتر از ۱۲ سال قمری بوالدین یا سرپرست قانونی برای تأدیب، تربیت و مواظبت سپرده می‌شوند یا توسط قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان نصیحت می‌شوند. به این نکته باید توجه نمود که راجع به دختران بالغ بین ۹ سال قمری تا ۱۵ سال قمری مقررات فوق حاکم نیست، زیرا به آنان نابالغ اطلاق نمی‌شود در نتیجه حد و قصاص نسبت به آنان مانند افراد کبیر قابل اجرا است مگر اینکه واجد شرایط مذکور در ماده ۹۱ باشند. اگر این ماده وجود نداشت عملاً دادگاه‌ها با چالش جدی مواجه می‌شدند به عنوان مثال اگر دختر ۱۰ ساله و پسر ۱۴ ساله‌ای مرتکب زنا شده بودند، می‌بایست دختر ده ساله را به فرض عالم بودن به حکم و موضوع حد می‌زدند و پسر ۱۴ ساله را تبرئه و یکی از تصمیمات مذکور در بندهای پنجگانه ماده ۸۸ را در باره وی می‌گرفتند. این موضوع نشان از تعجیل و عدم دقت و نوعی سرگردانی در قانونگذاری است.

۲-۲. دیات: معیار مسئولیت در جرائم مستوجب پرداخت دیه به سن بلوغ است و افراد بالغ از این حیث با بزرگسالان تفاوتی ندارد. اطفال یعنی کسانی که به سن بلوغ شرعی نرسیده‌اند اگر مرتکب ضرب و جرح یا صدماتی اعم عمد یا غیرعمد شوند مستلزم پرداخت دیه است و با توجه به مواد ۹۲، ۹۳، ۲۹۲، ۴۶۳ و ۴۶۵ قانون مجازات اسلامی بزه ارتكابی توسط آنان خطئی محسوب شده و در هر حال اگر بیش موضعه باشد عاقله ضامن پرداخت است. دیه کمتر از موضعه از اموال طفل توسط ولی یا سرپرست قانونی پرداخت می‌شود و عاقله طفل مسئولیتی نسبت به آنها ندارد. صاحب جواهر عاقله را در فقه امامیه ضامن پرداخت دیه حتی در جنایات عمدی اطفال می‌داند، برخلاف نظر شافعی که در مورد جنایات عمدی، خود طفل را ضامن دانسته که از اموالش پرداخت شود. (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۳، ۴۳۱)

۲-۳. تعزیرات: قانونگذار در جرائم تعزیری تدرج در مسئولیت و پاسخ‌های کیفری را برای کودکان و نوجوانان پذیرفته است، (الهام، برهانی، ۱۳۹۶: ۲۸۵) در مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی به موازات رشد عقلی و جامعه پذیری آنان سه

دوره سنی در نظر گرفته شده است، از بدو تولد تا ۹ سالگی؛ ۹ تا ۱۵ سالگی و ۱۵ تا ۱۸ سالگی شمسی که در صورت ارتکاب جرائم تعزیری در هر دوره سنی تصمیمات و مجازات‌های متناسبی پیش بینی شده است. در ماده ۳۳ قانون مجازات عمومی، برای اطفال ۶ سال به بالا تصمیمات تربیتی در نظر گرفته شده بود لیکن در قانون مجازات اسلامی در صورت نقض مقررات جزایی تعزیری برای اطفال کمتر از ۹ سال شمسی اتخاذ نمی‌شود. برای مرتکبین جرائم تعزیری که در محدوده سنی ۹ تا ۱۵ سال شمسی قرار دارند در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی ناظر به ماده ۱۴۸ تصمیمات و اقدامات تأمینی و تربیتی پیش بینی شده است؛ اعم از نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یکسال یا اخطار، تذکر یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم یا اینکه بوالدین یا سرپرست قانونی برای تأدیبه، تربیت و مواظبت سپردن یا توسط قاضی دادگاه نصیحت شوند.

۲-۴. **رویکردهای ارفاقی:** قانون مجازات اسلامی برای تحقق دادرسی افتراقی رویکردهای ارفاقی زیادی برای اطفال و نوجوانان نسبت به بزرگسالان در نظر گرفته است که عبارتند از:

۲-۴-۱. **تبدیل یا تقلیل مجازات:** دادگاه اطفال و نوجوانان با توجه به ماده ۹۰ یک بار اجازه تبدیل یا تقلیل مجازات در حکم صادره را استثناء بر قاعده فراغ دادرسی دارد.

۲-۴-۲. **تخفیف مجازات:** شرایط آسان‌تری برای اعمال تخفیف در مجازات اطفال و نوجوانان با استناد ماده ۹۳ دارد و مقید به شرایط مذکور در ماده ۳۷ نیست.

۲-۴-۳. **تعلیق مجازات و تعویق رسیدگی:** با توجه به ماده ۹۴ تعلیق مجازات و تعویق رسیدگی شامل تمامی جرائم ارتکابی اطفال و نوجوانان است.

۲-۴-۴. **عدم مشمولیت مقررات تکرار جرم:** با توجه به ماده ۱۳۸ قانون مجازات اسلامی جرائم اطفال مشمول مقررات تکرار جرم جهت تشدید مجازات نیست. البته به نظر می‌رسد مسامحه در تعبیر شده است و منظور نوجوانان تا ۱۸ سال باشد زیرا اطفال به معنای افراد نا بالغ مبرا از مسئولیت کیفری هستند. در بند ط ماده ۳۲ قانون مجازات عمومی مقررات تکرار و تعدد شامل اطفال نمی‌شد که در قانون مجازات اسلامی در رابطه با تعدد جرم، ساکت است فلذا مشمول تعدد می‌شوند.

۲-۴-۵. **فقدان آثار اجتماعی:** با توجه به ماده ۹۵ قانون مجازات اسلامی محکومیت‌های اطفال و نوجوانان فاقد آثار اجتماعی یعنی مجازات تبعی مذکور در ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی است.

۲-۴-۶. **قابلیت گذشت:** با توجه به ماده ۱۱ لایحه کاهش مجازات حبس تعزیری کلیه جرائم تعزیری درجه پنج و پایین‌تر در صورت داشتن بزه‌دیده، مشمول ماده تبصره ۱ ماده ۱۰۰ قانون مجازات اسلامی و ۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بوده و قابل گذشت است.

علاوه بر موارد ارفاقی مذکور رویکرد جدید قانونگذار به سمت قضا زدایی و دخالت پلیس و مددکار اجتماعی بجای دادگاه در مواقع نقض مقررات جزایی توسط اطفال و نوجوانان است؛ زیرا کجروی ناآگاهانه کودکان، از نوع ارتکاب رفتار عمدی ندانسته و از روی نا آگاهی بر خلاف هنجارهای جامعه است. (معظمی، ۱۳۹۰: ۷۲) در کشورهای اروپایی نیز به صورت اخطار رسمی و غیر رسمی (Informal Warning and caution) توسط پلیس در قبال کودکان و نوجوانان انجام می‌شود. (مهر، ۱۳۹۰: ۱۱۵) در دهه ۱۹۶۰ در انگلستان، این عقیده نضج گرفت و بعدها به صورت قانون در آمد که رسیدگی به جرائم نوجوانان بایستی در صورت امکان از فرآیند دادرسی در دادگاه‌های کیفری خارج شود. یکی از راه‌های انجام این کار، بکارگیری روش اخطار است. (نجفی ابرنآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۷۷: ۱۴۱)



اطفال و نوجوانان در هر جامعه از سرمایه‌های بی‌بدیلی هستند که باید برای رشد و توسعه محافظت شوند. در دنیا برای نیل به این مقصود مقررات بین‌المللی با رویکرد اصلاح و تربیت و باز اجتماعی شدن وضع شده است، تا با توجه به آسیب پذیری این قشر از جامعه علاوه بر ایجاد بستر رشد، در زمان آسیب دیدن (بزه‌دیدگی) مورد حمایت قرار گیرند. یکی دیگر از موضوعات مهم در این رابطه توجه ویژه به اطفال و نوجوانان در هنگام نقض قوانین و مقررات جزایی به عنوان بزه‌کار است؛ با این ویژگی که غالباً بزه‌های ارتكابی توسط آنان فاقد پیچیدگی است و بیشتر اطفال به عنوان سرگرمی مرتکب بزه می‌شوند.

این پژوهش به بررسی مقررات کیفری ایران در رابطه با نحوه‌ی برخورد با اطفال و نوجوانان بزه‌کار است تا مشخص شود همگام با مقررات بین‌المللی، حق بر متفاوت بودن نسبت به آنان تا چه میزان مورد توجه قرار گرفته است. به عبارت دیگر آیا در قوانین کیفری ایران اعم از شکلی و ماهوی در مواجهه با جرایم اطفال و نوجوانان، روش خاص و متفاوتی از آنچه نسبت به بزرگسالان اعمال می‌شود، در نظر گرفته شده است یا خیر؟ چه چالش‌هایی در این خصوص وجود دارد. یکی از بارزترین موانع و چالش‌ها، فقدان زیرساخت‌های لازم برای اجرای قوانین مترقی مصوب است.

در مقررات کیفری ایران از سال ۱۳۹۲ با دگرگونی بنیادین در قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری و در لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان؛ سیاست جنایی و رویکرد قانونگذار در جهت رعایت حق بر متفاوت بودن در اعمال مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی راجع اطفال و نوجوانان بزه‌کار یا ناقض قوانین جزایی تغییر اساسی نموده است. در جهت دادرسی افتراقی و استفاده از نهادهای ارفاقی پیشرفت قابل ملاحظه‌ای ایجاد شده است. در لوایحی مانند تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان روش‌های رسیدگی غیر قضایی برای اطفال و نوجوانانی که مقررات جزایی را نقض می‌کنند با کمک والدین، پلیس ویژه، مددکار اجتماعی و شاکی پیش بینی شده است. نگرشی نو به تفاوت‌های اطفال و نوجوانان ایجاد شده است و نوید بخش تحول در رویکرد اصلاحی و تربیتی بجای تنبیهی و عقوبتی نسبت به این قشر است.

منابع فارسی

ابوذری، مهرانوش، (۱۳۹۶)، کاربرد منطق فازی در حقوق کیفری ایران، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
 الهام، غلامحسین، برهانی، محسن، (۱۳۹۶)، درآمدی بر حقوق جزای عمومی جرم و مجرم، جلد اول، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.

دانش، تاج‌زمان، (۱۳۷۸)، دادرسی اطفال بزه‌کار در حقوق تطبیقی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

شامبیاتی، هوشنگ، (۱۳۸۴)، بزهکاری اطفال و نوجوانان، چاپ ۱۳، تهران: انتشارات مجد.

صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ چهارم، سال ۱۳۷۱، تهران: انتشارات گنج‌دانش.

- عباچی، مریم، (۱۳۸۸)، حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد، چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.
- عباسی، عاطفه، (۱۳۹۵)، حقوق کودک در نظام حقوقی ایران، تهران: نشر میزان.
- عباسی، مجتبی، (۱۳۹۴)، بزهکاری اطفال، چاپ اول تهران: انتشارات مجد.
- عدالتخواه، محمدرضا، (۱۳۹۴)، مبسوط قانون مجازات اسلامی، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- کاسکو، بارت، (۱۳۸۰)، تفکر فازی، ترجمه علی غفاری و دیگران، چاپ دوم، تهران: نشر دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی.
- کریمی، مهدی، (۱۳۹۴)، بزهکاری کودکان و نوجوانان (سرقه)، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۹۱) عدل الهی، چاپ ۳۸، تهران: انتشارات صدرا.
- معظمی، شهلا، (۱۳۹۰)، بزهکاری کودکان و نوجوانان، چاپ پنجم، تهران: انتشارات دادگستر.
- معین، محمد، (۱۳۷۹) فرهنگ لغت فارسی، جلد سوم، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- مهر، نسرين، (۱۳۹۰)، عدالت کیفری کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- میرمحمدصادقی، حسین، (۱۳۹۴)، حقوق کیفری اختصاصی جرایم علیه اشخاص، چاپ ۲۱، تهران: نشر میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید، (۱۳۷۷) دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ولد، جرج و توماس برنارد و دیگران، (۱۳۹۳)، جرم‌شناسی نظری، ترجمه علی شایان، چاپ هفتم، تهران: انتشارات سمت.
- منبع عربی
- نجفی، محمدحسن، (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد ۴۳، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- منبع انگلیسی
- Padfield .C.F. Law Made Simple. (۱۹۹۵) ۳th ed. Tehran: Jihad Daneshgahi Sahid Beheshti Publication